

توضیح: آن چه در زیر ملاحظه می کنید متن پیاده شده نوار گفتگو بین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران (سال 1354) می باشد که از روی نوار های صوتی به صورت نوشتار در آمده است.

با سپاس از رفقای که در امر تبدیل گفتاری این مذاکرات به صورت نوشتاری، شرکت کردند.

چریکهای فدائی خلق ایران - دسامبر 2010

* * * * *

(نوار شماره سه - قسمت دوم)

حمید اشرف: و کما این که خوب، جریانات هاوکینز و این ها هم، باز همان بود دیگه. جریان هاوکینز

تقی شهرام: هاوکینز که قبل از

حمید اشرف: ۵۲ بود دیگه؟

تقی شهرام: ۵۲، قبل از کشته شدن رضا بود.

حمید اشرف: آره دیگه.

تقی شهرام: خوب، هاوکینز بود. ولی می خوام بگم که بعداً جریان تبلیغاتی ما واقعاً یک چنین چیزی بود که احیاناً مثلاً

حمید اشرف: بعداً هم متأثر از اون جریانات بود. ولی خوب، به اون شکل دیگه، خیلی پر سر و صدا نبود.

تقی شهرام: یعنی مثلاً این ها هیچ کدوم زمینه ای نبود شما راجع به مسائل مجدداً فکر کنید؟ می دونی، اینا را برای این می خوام بگم که واقعاً روشن بشه ها، من نمی خوام که حتماً این جا حتماً اثبات بکنیم یک چیزی را

حمید اشرف: نه خوب این ها زمینه هایی بود. کما این که بعداً هم رفقا، ما یک چیز دیگر هم داریم یک نشانه دیگه ای هم داریم. اون هم میگم. که مال بعد از جریان رضاست. چون زمان رضا اصلاً نشریه داخلی نبود.

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: و بعد از رضا نشریه داخلی تان درست شد.

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: که این جریان کشید به اواخر سال ۵۲ بود که اون اعلامیه در اومد، و مقارن همین احوال بود که رفقا، شعاعیان را به ما معرفی کردند

تقی شهرام: درسته

حمید اشرف: و گفتند که این فرد هست و یک گروه مارکسیستی دارند

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: و تمایل داره که با شما ارتباط بگیره، که ما خوب یک جلساتی گذاشتیم، دیدیم و در همان رابطه، در همون جلساتی که شعاعیان هم توش بود، مسئله جبهه اومدش بالا

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: طرح شد. که البته شعاعیان هم روی این مسئله یک مقدار چیز می کرد دیگه پافشاری می کرد و یک مقاله ای هم نوشت

تقی شهرام: چون به منافعش بود دیگه

حمید اشرف: مقاله ای هم در این زمینه نوشت

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: که پاسخ رفقا هم به او، اون بود. ما در جلساتی که در رابطه با همون تشکیل جبهه داشتیم، یک تمایل مشخص را در رفقا کشف کردیم. و اون این هستش که رفقا جبهه را نمی خواهند، اساساً. یعنی جبهه واسه شون یک چیز مضریه فعلاً. چرا؟ بطور مشخص هم معلوم بود.

تقی شهرام: آها!

حمید اشرف: چرا که فکر می کردند که عناصر مذهبی و عناصر به اصطلاح سنتی خرده بورژوازی که

تقی شهرام: ممکنه بیان مارکسیست بشن

حمید اشرف: نه، به هیچ وجه، نظرشون این بود که اون ها حمایت نمی کنند.

تقی شهرام: اون ها جبهه را حمایت نمی کنند

حمید اشرف: یعنی اون ها جبهه را تأیید نمی کنند.

تقی شهرام: نه، احتمالاً این نبوده. احتمالاً اون شق اول بوده. بین، من درست تر برات بگم دیگه.

حمید اشرف: چرا چون

تقی شهرام: نه اگر بوده این بوده

حمید اشرف: در اون چیزی که رضا نوشت، جزوه ای که رضا نوشت، اینو تئوریزه کرد. خیلی جالب بود واسه ما. یعنی ما اون را، همین طور دست به دست می گردوندیم و می خوندیم و می گفتیم که ببینید تمایلات طبقاتی

تقی شهرام: چه جوری

حمید اشرف: اصلاً

تقی شهرام: بارک الله

حمید اشرف: چیز نداره

تقی شهرام: رد خور نداره

حمید اشرف: رد خور نداره. یعنی وقتی که

تقی شهرام: رد خور نداره، یعنی تو نظر طرف منعکس میشه. بارک الله

حمید اشرف: نه اینک منعکس میشه. و وقتی که یعنی فشار طبقاتی یک چیزیه که هیچ عاطفه

تقی شهرام: این حرف ها سرش نمی شود

حمید اشرف: و سوابق و این ها سرش نمیشه.

تقی شهرام: حتما منعکس میشه

حمید اشرف: یک روز حاکم میشه. نه تنها منعکس میشه، بلکه حاکم میشه

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: در اون جا مسئله این بود. یعنی همون طرح مسئله به اصطلاح، ارتباط پیشتاز با پیشتاز و توده با توده، خیلی دیگه گویا بود دیگه. یعنی بطور مشخص، من نمی دانم خود رضا، یا رفقای که اونو نوشتند، تا چه حد شناخت داشتند نسبت به چیزی که نوشتند. ولی واقعاً

تقی شهرام: ما این نسخه را نداریم. شما دارید؟

حمید اشرف: ما داریم. اگر بخواهید واسه تون میاریم.

تقی شهرام: یک نسخه برای ما بفرستید. چون ما اصلاً فقط همین طور دورادور شنیدیم که حدوداً چی ها بوده.

حمید اشرف: چون در اون جا، به شکل خیلی جالب و دقیقی، مسئله را از دیدگاه طبقاتی مطرح می کرد. و به این صورت که، می گفتش که "ما دو تا پیشتازیم. و مسئله، برای ما مسئله اساسی، وحدت پیشتاز با توده است، نه وحدت پیشتاز با پیشتاز". و اون "توده" ای که ازش صحبت می کرد

تقی شهرام: همه توده مردم بود، که در واقع

حمید اشرف: توده مردم نبود، ولی خرده بورژوازی سنتی بود، در حقیقت.

تقی شهرام: بله در حقیقت، ولی به حساب او، فکر می کرد که همه توده با او وحدت پیدا می کنند.

حمید اشرف: همه توده به او مربوط میشن. کلاً جناح های خرده بورژوازی وقتی از توده حرف می زنند

تقی شهرام: منظور

حمید اشرف: گروه خودشون را دارند میگن. ولی مشخص بود که رفقا انتخاب خود شونو کردن، و این انتخاب را در حقیقت تاریخ کرده. که پیشتاز خرده بورژوازی هم به اصطلاح در خدمت طبقه خودش قرار می گیره، و در مقابل متحدین مارکسیست یا غیر مارکسیست یا هر کس دیگه ای، از موضع اون طبقه برخورد می کنه.

تقی شهرام: بینم، تو اون کاغذ، تو اون نوشته، مسئله جبهه رد شده بود نهایتاً دیگه، بله؟

حمید اشرف: مسئله جبهه، به شکلی که ما پیشنهاد کرده بودیم، رد شده بود. چون ما گفتیم که بیاییم حتی نشریه مشترک داشته باشیم.

تقی شهرام: من چون میدانی

حمید اشرف: ما پیشنهاد نشریه مشترک داده بودیم. گفتیم بیایم جبهه و نشریه مشترک داشته باشیم. که البته شعاعیان هم مقاله ای نوشته بود در این رابطه، که اون هم نمی دونم خوندید یا نه.

تقی شهرام: اونو خوندم.

حمید اشرف: که اون، یک مقدار شدیداً هم برای رفقا تحریک آمیز بود. چون نوشته بود که، یک جمله معروفی داشت که "سازمان مجاهدین در معده شورش گوارده خواهد شد"

تقی شهرام و جواد فائدی: (با صدای بلند می خندند)

حمید اشرف: یعنی که به اصطلاح

تقی شهرام: آخه اون جا به چیزای دیگه هم نوشته بود، مثلاً کمونیست های مسلمون، مسلمون های کمونیست، از اون چرت و پرت های

حمید اشرف: آها، اون خوب، تئوری ای داشت به این صورت که این جریان، جریان کمونیستیه. یعنی مجاهدین الان کمونیست اند. و این مسئله هم در معده شورش گوارده خواهد شد، و این گوارده شدن در معده شورش، خوب خیلی چیز ناگواری بود در حقیقت. که به هر حال بازتابش اون بود. ولی باز، مقاله ای که رفقا دادند

تقی شهرام: بینم، تو اون بطور مشخص جبهه منتفی نشده بود؟

حمید اشرف: نه، نوشته شده بود که

تقی شهرام: ولی می دونی من چی می خواهم بگم

حمید اشرف: تعارفات جبهه ای شده بود، که ما متحدین طبیعی یکدیگر هستیم.

تقی شهرام: باشه، یک چیزی شما باید باز هم پیگیری می کردید.

حمید اشرف: ها! خوب، آخه زمینه اش که نبود. چرا که

تقی شهرام: یعنی ممکنه که ملاحظات تاکتیکی

حمید اشرف: عملاً ما می دیدیم که رفقا به آیت الله شریعتمدار و این ها، بیشتر امیدواری دارند

تقی شهرام: نه

حمید اشرف: تا به

تقی شهرام: نه

جواد فائدی: این دیگه نبود رفیق.

حمید اشرف: حالا بذار بگم.

تقی شهرام و جواد فائدی: (می خندند)

حمید اشرف: من یک فاکت دارم. اینو از روی فاکت می خوام بگم اینو. این ها سنده، نوشته است. حافظه و این ها نیست. و در این رابطه بود که خوب ما دیدیم که حرفی نیست اون پاسخ به جبهه داده شد و به مسئله پیشتاز و پیشتاز، و پیشتاز و توده، و مسئله مهم تر از همه، اعاده حیثیتی که مارکسیست ها اصلاً باید از خودشون بکنند

تقی شهرام: از چه نظر؟

حمید اشرف: از نظر توده ها.

تقی شهرام: که مثلاً بیان چکار کنند؟ آخه به توده ها بگن چی؟ مگه چه هتک حیثیتی کردن؟

حمید اشرف: هتک حیثیتشون این بود که، مارکسیست ها ظاهراً به، به اصطلاح، اعتقادات و احترامات مذهبی توده ها

تقی شهرام: بها نمی دن؟

حمید اشرف: بی احترامی کردند در گذشته، و حالا

تقی شهرام: یعنی واقعاً این تو اون نوشته هستش، چنین چیزی؟

حمید اشرف: آره. اعاده حیثیت، کلمه اعاده حیثیت مارکسیست ها که مارکسیست ها باید از خودشون اعاده حیثیت به عمل بیارن.

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: و در این رابطه است که ما می تویم این مارکسیست ها را هم در این وسط که هستیم، یک جایی بهشون بدیم، که توده ها بتونند اینا را هضم کنند.

تقی شهرام: درسته

حمید اشرف: و اگر این کار نشه، به اصطلاح، دیگه نمیشه، یعنی دست ما نیست قضیه، خلاصه، اگر اعاده حیثیت هم نشه. خوب طبیعیه که ما، بعد، اشاراتی به ما که، چرا شما از کمونیسم اسم می برید؟ چرا نمی دونم از مارکسیسم اسم می برید؟ شما بیاید تو جزوه هاتون از فلسفه علمی نام ببرید.

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: و خوب این ها جریاناتی بود که به نظر ما

تقی شهرام: درسته

حمید اشرف: جنبش کمونیستی را تضعیف می کرد

تقی شهرام: بله کاملاً

حمید اشرف: و طبیعتاً ما حتی در همون موقع هم که اون مطلب نوشته شد که جنبش پیشتاز با پیشتاز و پیشتاز با توده، در همان موقع هم و رفقا قویاً می گفتند که اسم کمونیست (نامفهوم...) کفره و ننگه و ایران مذهبی و خلق الله ست و پله ست. ما در همون موقع اش، از همون اول کار هم تو اعلامیه هامون صریحاً می گفتیم که ما کمونیستیم. رهرو راه طبقه کارگریم. هدف ما این هستش. حتی اعلامیه ای بود که رفقا کمک کرده بودند عکس های اسکندر را با اون دستگاه فتو ترنسفرشون تکثیر کرده بودند، که ما بریده بودیم دورشو، چسبونده بودیم رو اعلامیه هامون. از همین موضع با مسئله برخورد کرده بودیم.

تقی شهرام: خوب، اینها، حرف شما کاملاً درست و موضع درست که نباید

حمید اشرف: و حتی

تقی شهرام: جنبش کمونیستی تضعیف می شد. اما این قسمت قضیه که باید به هر حال شما این هم به یک وسیله ای زیر مهمیز خودتون در می آورید به یک وسیله ای

حمید اشرف: کدوم رو؟

تقی شهرام: همین جریان خرده بورژوازی را. به یک وسیله ای به هر حال،

حمید اشرف: والا جریان خرده بورژوازی را ما می توانستیم

تقی شهرام: یعنی به هر حال، در یک روابطی اون را، باهش در یک مناسبات نزدیک تری می شدید. به هر شکل، اون طور نه، به جور دیگه. یعنی ما وسایله که ازمون نگرفتن. شما به اندازه کافی، در واقع به دلیل همین نقطه نظر مارکسیستی،

واقعاً مارکسیست‌ها این نقطه‌چی بش می‌گن این امکان را دارند که میتونند، دستشون باز باشه برای برخورد. می‌دانید یعنی مثل مذهبی‌ها در یک کالبد‌های خیلی محدودی محصور نیستند. چون مذهبی‌ها مجبورند یک چیزی به این نگان به اون به قول معروف اصابت نکنه، یه چیزی نگان، از اون ور به قول معروف قضیه خراب نشه، خیلی دچار تناقض هستند. اما مارکسیست‌ها خوب روشنه، اصول شون معلومه، از نظر اصولی. از نظر خط و شیوه شون هم به اندازه کافی انعطاف و به اصطلاح زمینه و برد داره برای کار. حالا، منظور من این بودش که شما اگر می‌دیدید یک چنین جریانی، آیا باید می‌کشیدید خودتونو کنار؟ یا نه اصلاً یک موضع منفعل می‌گرفتین؟

حمید اشرف: ما خود مونو کنار نکشیدیم

تقی شهرام: خوب

حمید اشرف: ما باز هم همون پیشنهادهاى خودمونو طرح می‌کردیم با رفقا. رو مسئله جبهه پافشاری می‌کردیم، چیز باز مسئله نشریه مشترک و نشریات دیگه ای

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: رو هم مطرح می‌شد، ولی اینجا رفقا یک مقدار

تقی شهرام: ولی مثل اینکه نشریه مشترک، میگی خودت به جمعاً به نتیجه رسیده بودید که امکان پذیر نیست، مگر اینکه هر کسی آخه می‌دونى، نشریه مشترک این طوری بودش که گویا مصطفی اینا مطرح کردند که نشریه باشه و احتمالاً مسئله سردبیری و نمى دونم هیئت تحریریه

حمید اشرف: نه نه

تقی شهرام: و این جریانات داشت.

حمید اشرف: نه. این صحبت‌ها به اینجاش اصلاً نرسید

تقی شهرام: بابا! مثل اینکه این طوری‌ها بوده.

حمید اشرف: یعنی صحبت اصلاً نه به هیئت تحریریه و (نامفهوم...)

تقی شهرام: قرار بوده که هیئت تحریریه اش مثلاً یکیش مثلاً خود مصطفی باشه. مگر نه؟ من این طور که می‌دونم

حمید اشرف: نه، اصلاً صحبت هیئت تحریریه نشد. چون کار به پذیرشش نرسید که به هیئت تحریریه اش عدم توافق بشه. یعنی اصلاً نفی شد. نشریه مشترک

تقی شهرام: آها، رسیدیم به این که اول باید هر گروه و سازمانی برای خودش نشریات داخلی به وجود بیاره، بعد در رابطه با وحدت این‌ها، یعنی در رابطه با مثلاً وقتی که نشریه مشترک در داخل سازمان‌ها به وجود آمد، اینا در یه جریان دیگه اونوقت بیان مثلاً اون نقاط مشترک شو بیان تو یه نشریه مشترک مثلاً دو تا سازمان یعنی هر سازمان نشریه خود شو داشته باشه، بعد از تو اون یک زمینه‌هایی پیدا کنند برای یه نشریه مشترک. این طور می‌دیدید بعداً شما‌ها؟

حمید اشرف: والا، ظاهراً همین طوری‌ها بود.

تقی شهرام: آها

حمید اشرف: که بعد اون وقت این نشریات داخلی درآمد و مدتها گذشت و این‌ها یکی از اون شماره‌های نشریه داخلی هم رفقا به ما دادند. یک نسخه شو فقط

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: که در اون نسخه در حقیقت، خوب یکی در این زمینه بود که ما نشریه داخلی مونو در آوردیم، یکی دیگه این البته مال بعد از شاید مثلاً اواخر ۵۲ یا اوایل ۵۳

تقی شهرام: نه اواخر ۵۲ نیست. اگر همون نسخه را دادند، حدوداً مثلاً باید

جواد قائدی: تابستون ۵۲

تقی شهرام: تابستون، اوایل شهریور و اینا باشه.

حمید اشرف: ۵۲؟

تقی شهرام: ۵۲ است

حمید اشرف: همان نسخه ای هست اش

تقی شهرام: چون ۵۲ نیست، حتماً.

حمید اشرف: که عکس کلت هم کشیده شده بود. چاپ الکی و این ها

تقی شهرام: نمی دونم.

جواد قائدی: شماره ۲ نشریه داخلی

حمید اشرف: این مال کیه؟

جواد قائدی: مال شهریور

حمید اشرف: ۵۲؟

جواد قائدی: بله

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: که اون شماره را به ما دادند. که در اون جا، خوب همه چیزاش یک طرف، یک تحلیلی بود از نیروها. که این تحلیل مبتنی بر این بود که، صحبت از مارکسیست های افراطی و چپ شده بود از یک طرف. یعنی خلاصه، تحلیل طبقاتی شده بود. به اصطلاح تحلیل نیروهای طبقاتی. که در اون تحلیل، سازمان چریکهای فدایی خلق به تلویح مارکسیست های چپ و افراطی قلمداد شده بودند، و آیت الله شریعتمدار جزو نیروهای بینابینی

جواد قائدی: اسم این تحلیل چی بود رفیق؟

حمید اشرف: نمی دونم، شما نشریات داخلی را حتما دارید

تقی شهرام: پیدا میشه. داریم، ما به دوره داریم فکر می کنم.

حمید اشرف: که آیت الله شریعت (نامفهوم...) که گفته بودند نیروهای بینابینی مثل آیت الله شریعتمداری و این طوری (نامفهوم...)، که این دوتا چیزش تو یاد من هست. که ما دیدیم که موضعگیری بعد از رفیق رضا هم طوریه که ما کماکان مارکسیست های چپ هستیم، و آیت الله شریعتمداری درباری جزو نیروهای بینابینی. و خوب، وقتی که آیت الله شریعتمدار بینابین باشه، این دو طرف بین هم قابل توضیح دیگه که کیا می خوان باشن. و این، از چه موضعی داره این تحلیل صورت میگیره. و بخصوص چون رفقا این هم دادند به ما. چون نشریه داخلی که هیچ کدومو نمی دادند. این یک نسخه اش را دادند. و این برای ما نشانه ای بود بر این موضوع که، دو مرتبه تأییدی، تأکیدی ست بر همون به اصطلاح،

تقی شهرام: الان من اینو توضیح بدم

حمید اشرف: خط مشی سابقی که رفقا دارند. و خوب از اون به بعد دیگه، روابط خیلی چیز شد به اصطلاح به سردی رفت. به سردی رفت تا سال ۵۳ که دیگه باز همین مسائل مطرح بود. که در سال ۵۳ طرح می کرد رفیق که یک بحث هایی در درون سازمان ما هست. که چندین بار، چندین بار متوالی ما گفتیم که رفقا اگر میشه این بحث ها ما را هم تا حدودی را در جریان این بحث ها بگذارید. بعد مسئله به اصطلاح انتقادها را مطرح کردیم. که رفقا می گفتند که انتقادها

تقی شهرام: پس بین، مسئله جبهه بعد طرح نشد ها! بین، تو داشتی اینو می گفتی که در واقع قضیه جبهه

حمید اشرف: (نامفهوم...) چرا (نامفهوم...)

تقی شهرام: یک وسیله ای بود که بتونیم

حمید اشرف: چرا؟ در یک نقطه دیگری دوباره مطرح کردیم، ولی کارش بالا نگرفت. به این صورت که بعد از طرح مسئله انتقادها که رفقا پاسخی ندادند

تقی شهرام: نه، پاسخ مثل این که دادیم که نمی کنیم این کار را.

حمید اشرف: ها؟

تقی شهرام: مثل این که اون رفیق گفته بود که این کارو نمی کنیم.

حمید اشرف: همین گفته، به شکل مبهمی هم طرح کرده بود

جواد قاندي: گفته بود انتقاد از کدام موضع؟

حمید اشرف: ها، انتقاد از کدام موضع بود که ما می گفتیم که خوب، رفقا تا حالا موضع شون موضع مارکسیستی نبوده. حالا می خوان ما به موضع مارکسیستی شون صحه بگذاریم؟

تقی شهرام: نه، همچی چیزی شما نگفته بودید.

حمید اشرف: نه، ما نگفتیم. احساس ما بود.

تقی شهرام: آها، تو فکر خودتون.

حمید اشرف: که خوب، چی می خوان؟ حالا مثلا این که برن

تقی شهرام: البته ما تصور می کردیم که شما می فهمید. می دونی؟ یعنی تصور ما این بودش که شما از روی عمل ما، نظرات ما، انعکاسات خارجی سازمان ما، می فهمید حرکت سازمان ما رو.

حمید اشرف: من اون دفعه هم گفتم که چون

تقی شهرام: ولی عمد دارید که در واقع خودتونو به نفهمی بزنید.

حمید اشرف: نخیر. چون سازمان، سازمان التقاطی بود،

تقی شهرام: آها شما

حمید اشرف: ما این تحلیل را داشتیم که سازمان التقاطی

تقی شهرام: آخه این یک چیزه

حمید اشرف: به مقدار هم اصلاً التقاطی بودنش هم به مقدار به خاطر، به اصطلاح امکان شتر مرغ بودنشه.

تقی شهرام: خوب

حمید اشرف: یعنی هم بتونه این ور بازی کنه، هم بتونه آن ور بازی کنه

تقی شهرام: بسیار خوب

حمید اشرف: با ما

تقی شهرام: ولی تا ابد؟ تا ابد بتونه این کارو بکنه؟

حمید اشرف: تا ابد طبعاً نمی تونست این کارو بکنه.

تقی شهرام: خوب، پس شما باید متوجه باشید

حمید اشرف: ما در حقیقت

تقی شهرام: که بالاخره، این می شکنه. این پوسته داغون میشه، این تناقض اینو از بین می بردش کجاست؟ ما به این کمک کنیم. ما جهت صحیح شو تقویت کنیم.

حمید اشرف: از کجا پیداش می کردیم؟

تقی شهرام: اه! کاری نداشت!

چریکهای فدائی خلق ایران

www.siahkal.com

www.ashrafdehghani.com

e-mail: ipfg@hotmail.com

فدائی خلق ایران